

پیش بینی ایده پردازی خودکشی بر اساس راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های هویت

Predicting suicide ideation based on identity styles and coping strategies

Babak Vojoudi

Clinical Psychology

Touraj Hashemi

University of Tabriz

Ghasem Abdolpour

Clinical Psychology

Naimeh Mashinchi Abbasi

Cognitive Neuroscience

بابک وجودی*

روانشناسی بالینی

تورج هاشمی

دانشگاه تبریز

قاسم عبدل‌پور

روانشناسی بالینی

نعیمه ماشینچی عباسی

علوم اعصاب شناختی

Abstract

The present study aimed to predict suicide ideation based on identity styles and coping strategies in adolescents. The study population included all adolescents studying in Tabriz high schools. A total of 120 boys and girls were selected and completed the Beck Scale for Suicidal Ideation (BSSI), the Coping Strategies Inventory (CISS), and the Identity Style Inventory (ISI-6). Results showed that coping strategies and identity styles can predict suicide ideation. Data analysis showed that among identity styles, confused identity had a significant and positive relationship and commitment had a significant and negative relationship with suicidal ideation. Also emotion-focused strategies had a significant and positive correlation whereas problem oriented strategies showed a significant and negative correlation with suicidal thoughts. Adolescents showing the confused-avoidant identity style are in conflict with issues of identity and thus tend to evade and / or avoid these issues. They do not seem to be able to plan their lives effectively and in dealing with problems seem to react emotionally and in the event of failure may turn to thoughts about ending their lives. Thus, it is suggested that in an attempt at preventing and reducing suicidal ideation in adolescents, important variables such as identity styles and strategies should be targeted for change and modification.

Keywords: suicide, coping strategy, identity style

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی ایده‌پردازی خودکشی بر اساس راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های هویت در نوجوانان بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه نوجوانان مشغول به تحصیل در دبیرستان‌های شهر تبریز بودند که از میان آنها ۱۲۰ نفر (۶۰ دختر، ۶۰ پسر) انتخاب شدند و به مقیاس ایده‌پردازی خودکشی بک (BSSI)، مقیاس مقابله با شرایط استرس‌زا (CISS) و مقیاس سبک‌های هویت (ISI-6)، پاسخ دادند. نتایج نشان داد که راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های هویت می‌توانند ایده‌پردازی خودکشی را پیش‌بینی کنند. هم‌چنین تحلیل داده‌ها نشان داد که از بین سبک‌های هویت، هویت سردرگم و تعهد به ترتیب رابطه مثبت و منفی با ایده‌پردازی خودکشی دارند. از سوی دیگر، راهبردهای هیجان‌مدار، رابطه مثبت و راهبردهای مساله‌مدار، رابطه منفی با ایده‌پردازی خودکشی داشتند. براساس نتایج، نوجوانان با سبک هویت سردرگم-اجتنابی از درگیری با مباحث مربوط به هویت طفره می‌روند و از آن اجتناب می‌کنند. آنها برای زندگی خود برنامه‌ای ندارند، و به‌صورت هیجان‌مدار با مسایل برخورد می‌کنند و در صورت عدم موفقیت به افکار پایان دادن به زندگی روی می‌آورند. بنابراین هدف قرار دادن متغیرهای مهمی مانند سبک‌های هویت و راهبردهای مقابله‌ای در پیشگیری و کاهش ایده‌پردازی خودکشی در نوجوانان، می‌تواند مفید واقع شود.

واژه‌های کلیدی: خودکشی، راهبرد مقابله‌ای، سبک هویت

مقدمه

نوجوانی دوره‌ای حساس در ایجاد و گسترش راهکارهای مقابله‌ای^۱ و پاسخ به نیازهای محیطی است. این دوره به واسطه تغییرات سریع فیزیکی، روانشناختی، اجتماعی، فرهنگی و شناختی با انبوهی از مشکلات مغایر سلامت همراه است. بسیاری از عوامل تهدیدکننده سلامت و رفتارهای پرخطر نوجوانان در همین سن به صورت پیش رونده‌ای شروع می‌شود که یکی از این رفتارها، خودکشی^۲ است (آرمسترانگ و کوستلو، ۲۰۰۲؛ کراسبی، سانتلی و دی کلمنت، ۲۰۰۹).

خودکشی در تمام فرهنگ‌ها و دوره‌ها وجود داشته است (لستر، ۲۰۰۶) و دهمین عامل مرگ در جهان است (هاتون و ون‌هرینگ، ۲۰۰۹). حدود یک میلیون نفر سالانه بر اثر خودکشی می‌میرند (کرافورد، تانا، متیون، گوش، استنلی و همکاران، ۲۰۱۱). مطالعات مربوط به خودکشی سه پدیده مهم را بررسی می‌کنند که شامل افکار خودکشی، اقدام به خودکشی و خودکشی است (مارسنکو، فیشمن و فریدمن، ۱۹۹۹). افکار خودکشی^۳ عبارتی است که بر وقوع هرگونه اندیشه خودتخریبی^۴ دلالت دارد. این افکار، طیفی از اندیشه‌های مبهم در مورد خاتمه زندگی تا خودکشی را دربر می‌گیرد. تخمین زده شده است که ۲۴ درصد از افرادی که فکر خودکشی را گزارش می‌کنند، در نهایت دست به اقدام می‌زنند (ون‌هرینگن، ۲۰۰۱). به عبارتی افکار خودکشی خود یک عامل خطر برای خودکشی محسوب می‌شود (گرولگر، توموری و کاکمور، ۲۰۰۳). نتایج پژوهشی نشان می‌دهند که بین راهبردهای سازش‌نایافته تنظیم هیجان و ایده‌پردازی خودکشی رابطه مستقیم وجود دارد (حسینی و میرآقایی، ۱۳۹۱). افزایش فزاینده تعداد نوجوانانی که اقدام به خودکشی می‌کنند، افسرده می‌شوند و یا به سوء مصرف مواد روی می‌آورند، نشانه‌ای از فزونی استرس‌ها، و ناکارآمدی راهبردهای مقابله‌ای آنان در برخورد با این استرس‌ها است (اندا، جاویدی، جفورد، کوموروسکی و یانز، ۱۹۹۱).

سبک‌های مقابله‌ای^۵، به عنوان تلاش‌های رفتاری و شناختی افراد به منظور فایق آمدن بر یک عامل استرس‌زای درونی یا بیرونی (متمکز بر مساله) یا ایجاد تسکین هیجانی و عاطفی (متمکز بر هیجان) تعریف می‌شوند (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴). بررسی‌ها نشان می‌دهند که چنانچه نوجوانان به راهبردهای مقابله‌ای کارآمد مجهز نباشند و توانایی کمی برای درک هیجان‌های خود و دیگران داشته باشند، در برخورد با استرس‌ها و بحران‌های دوران نوجوانی توان کمتری خواهند داشت و مشکلات رفتاری بیشتری را به صورت پرخاشگری، افسردگی و اضطراب نشان می‌دهند (الگار، آرلت و گراوز، ۲۰۰۳). به کار بردن راهبردهای نامناسب در روبرویی با عوامل استرس‌زا می‌تواند موجب افزایش مشکلات شود، در حالی‌که راهبردهای مقابله‌ای مناسب می‌تواند پیامدهای سودمندی داشته باشد (بن‌زار و رشف، ۲۰۰۳). داشتن مهارت بیشتر در کنترل استرس موجب اضطراب کمتر و کاهش میزان افسردگی و در مجموع ارتقای کیفیت زندگی خواهد شد (فال، جیم، ویلیامز، لافتوس و جاکوبسن، ۲۰۰۹). طبق نظر لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) سبک‌های مقابله با استرس به دو دسته کلی مساله‌مدار^۶ و هیجان‌مدار^۷ تقسیم می‌شود که افراد از هر دو نوع سبک مقابله در مواجهه با موقعیت‌ها استفاده می‌کنند. نوعی از مقابله که فشارهای هیجانی را تسکین می‌دهد، به عنوان هیجان‌مدار و آن نوع دیگر که در آن فرد تلاش می‌کند تا عوامل به وجودآورنده این فشارهای هیجانی را تغییر دهد، به عنوان مقابله مساله‌مدار تعریف می‌شود (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴). استفاده از سبک مقابله اجتنابی^۸ از سبک‌های هیجان‌مدار، با سطح بالایی از استرس، و استفاده از سبک مقابله حل مساله از سبک‌های مساله‌مدار، با سطح پایینی از استرس همراه است (آلدوین و رونسون، ۱۹۸۷). به‌طور کلی مطالعات نشان می‌دهند که استفاده از سبک‌های هیجان‌مدار در مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا با سطح بالایی از استرس همراه است، در حالی‌که استفاده از روش‌های مساله‌مدار با سطح پایینی از استرس

5. coping style
6. problem focused
7. emotion focused
8. avoidance

1. coping strategies
2. suicide
3. suicide ideation
4. self destruct

دیدگاه شناختی- اجتماعی برزنسکی (۱۹۹۰)، سبک‌های هویتی، راهبردهای شناختی- اجتماعی هستند که افراد در زمان مواجهه با تعارضات هویتی از آنها استفاده می‌کنند (برزنسکی و سالیوان، ۱۹۹۲).

افراد با سبک هویت اطلاعاتی، به طور فعال به جستجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند، آنها تلاش می‌کنند تا اندیشه‌ورز، آگاه و گشوده نسبت به تجارب جدید باشند، آگاهانه به حل مسایل بپردازند و تصمیم‌گیرندگان هوشیاری باشند (برزنسکی، ۱۹۹۰؛ سوننس، دوریز و گونسس، ۲۰۰۵). افرادی که سبک هویتی هنجاری دارند، به طور خودکار انتظارات و دستورالعمل‌های اطرافیان مهم خود را به اجرا می‌گذارند. آنها افراد با وجدان و هدف‌مداری هستند، تمایل به نظام‌مندی و سازمان‌دهی امور دارند (حجازی و برجعلی‌لو، ۱۳۸۸)، اما از پیش شکل گرفته‌اند و نسبت به اطلاعاتی که ممکن است دانسته‌ها و ارزش‌های شخصی آنها را به چالش بکشد، کاملاً بسته عمل می‌کنند (برزنسکی، ۲۰۰۳؛ برزنسکی و کوک، ۲۰۰۰؛ سوننس و همکاران، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، سبک هویت سردرگم- اجتنابی از یک ساختار هویتی نامنسجم به وجود می‌آید. ویژگی اصلی این سبک، سطوح پایین پردازش فعالانه اطلاعات و مهارت‌های حل مساله محدود است. در واقع افراد با این سبک به میزان کمتری از روش‌های منطقی در فرایند پردازش اطلاعات استفاده می‌کنند (سوننس و همکاران، ۲۰۰۵).

از آنجایی که سبک‌های هویتی با نحوه پردازش شناختی افراد، نوع واکنش آنها به موقعیت‌های مختلف و راهکارهای مقابله‌ای به کار گرفته شده رابطه دارند، بعضی از پژوهش‌های انجام شده به بررسی رابطه میان سبک‌های هویتی با برخی از اختلالات از جمله افسردگی، اختلال شخصیت مرزی^۹ و سایر ناهنجاری‌های روانی و رفتاری که با رفتارهای خودتخریبی و پرخطر مرتبط هستند، پرداخته‌اند. براساس یافته‌های پژوهشی، سبک آشفته- اجتنابی با اختلال شخصیت مرزی، راهکارهای مقابله‌ای ناسازگارانه، نورزگرایی^{۱۰}، افسردگی و رفتارهای پرخطر رابطه مثبت دارد (جورجنسون، ۲۰۰۹؛ سراموا، بیانکی، لاستیکوا، فیکنوا و

همراه است (فلتون و رونسون^۱، ۲۰۰۴؛ به نقل از هوآنگ، ۲۰۰۹). پژوهش‌ها نشان می‌دهند افرادی که از راهبرد مساله‌مدار استفاده می‌کنند، کمتر در معرض خطر خودکشی قرار می‌گیرند (یعقوبی، اکبری زردخانه، وقار انزابی، رضانی و قهوه چی، ۱۳۸۹).

یکی دیگر از عوامل مهم در شکل‌دهی رفتار افراد، هویت^۲ هویت^۲ آنان است. در واقع هویت چهارچوب داوری است که افراد برای تعبیر تجارب شخصی، بحث درباره معانی، اهداف و مسیر زندگی‌شان به کار می‌برند. بسیاری از عوامل فردی از جمله جنسیت، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و محیط خانوادگی می‌تواند در شکل‌گیری هویت نقش داشته باشد. از سوی دیگر، هویت فرد نیز پس از شکل‌گیری، باورها، برداشتها و رفتارهای فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد (اریکسون، ۱۹۶۸). نظریات جدید در زمینه هویت، مفهوم پیچیده بحران هویت^۳ را در مفهومی ساده‌تر، یعنی توانایی افراد در مقابله با موضوعات روزمره زندگی، با تأکید بر مهارت حل مساله تبیین کرده‌اند. ارزش چنین دیدگاهی در کاربردی بودن آنها است، زیرا زمانی که بتوان مشکلات مربوط به دوره نوجوانی از جمله بحران هویت را بر اساس میزان توانایی افراد در برخورد با استرس‌های محیطی ارزیابی کرد، به‌این وسیله راه برای مداخلاتی نظیر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای کارآمد مانند حل مساله، جهت‌پیشگیری از مشکلات مربوط به این دوره تحولی، هموار می‌شود (غرابی، ۱۳۸۷).

اکثر پژوهش‌های صورت گرفته درباره هویت نوجوانان، بر اساس الگوی هویتی بوده است که براساس ترکیب دو بعد تعهد^۴ و کاوش^۵ تعریف شده است (برزنسکی و آدامز، ۱۹۹۹؛ ۱۹۹۹؛ مارسیا، ۱۹۶۶، ۱۹۹۳). علاوه بر چهار سبک مطرح شده توسط مارسیا (۱۹۶۶)، برزنسکی و فراری (۱۹۹۶) معتقدند که افراد براساس فرایندهای شناختی و اجتماعی، سه سبک هویتی متفاوت یعنی سبک هویت اطلاعاتی^۶، اجتنابی- آشفته^۷ و هنجاری^۸ را شکل می‌دهند. براساس

1. Felton, B. J., & Revenson, T. A.
2. identity
3. identity crisis
4. commitment
5. exploration
6. informational identity style
7. avoidant- disorganized
8. normative

9. borderline personality disorder
10. neuroticism

ابزار سنجش

مقیاس ایده‌پردازی خودکشی بک: مقیاس ایده‌پردازی خودکشی بک^۱ (BSSI) توسط بک (۱۹۷۹) برای سنجش میزان مستعد بودن فرد به خودکشی ساخته شد. این مقیاس، برآوردی عددی از شدت ایده‌پردازی و امیال خودکشی گرایانه فراهم می‌کند و مشتمل بر ۱۹ گویه است که روی یک مقیاس سه نقطه‌ای از صفر (کمترین شدت) تا ۲ (بیشترین شدت) درجه‌بندی می‌شود. پایایی^۲ و روایی^۳ این مقیاس در پژوهش‌های مختلف تایید شده است. در پژوهش دانیتز (۲۰۰۱) آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۹ به‌دست آمده است. هم‌چنین روایی هم‌زمان^۴ آزمون با مقیاس سنجش خطر خودکشی، ۰/۶۹ گزارش شده است (داچر و دالری، ۲۰۰۴). در ایران نیز انیسی و همکاران (۱۳۸۳) پایایی مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۵ و با روش دو نیمه‌سازی^۵، ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند. هم‌چنین در پژوهش مذکور، روایی هم‌زمان مقیاس ایده‌پردازی خودکشی بک با زیرمقیاس افسردگی پرسشنامه سلامت عمومی^۶، ۰/۷۶ گزارش شده است. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس ایده‌پردازی خودکشی بک، ۰/۸۸ به‌دست آمد.

مقیاس سبک‌های هویت: مقیاس سبک‌های هویت^۷ (ISI-6؛ برزونسکی، ۱۹۸۹) ساخته شده و دارای ۴۰ سوال است که سبک‌های هویت یعنی سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم-اجتنابی و میزان تعهد فرد را مورد سنجش قرار می‌دهد. سوالات مقیاس روی یک طیف چهار درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تنظیم شده است. به دلیل پیچیدگی برخی جملات، وایت، ومپلر و وین (۱۹۹۸) به تجدید نظر در این آزمون پرداختند. در پژوهش حاضر از فرم تجدید نظر شده (ISI-6) استفاده شده است. برزونسکی و کوک (۲۰۰۰)، ضریب آلفای کرونباخ سبک اطلاعاتی را ۰/۷۱، سبک هنجاری را ۰/۶۵، سبک سردرگم-اجتنابی را ۰/۷۵ و مقیاس تعهد را ۰/۷۸، و ضریب پایایی بازآزمایی^۸ را به فاصله زمانی دو ماه بین ۰/۷۱ تا ۰/۷۵ گزارش کردند. در

هامرانوا، (۲۰۰۸). اما سبک‌های هویتی اطلاعاتی و هنجاری با اختلالاتی مانند افسردگی رابطه منفی دارد (آدامز، مونرو، دورتی-پویرر، مونرو، پترسون و همکاران، ۲۰۰۱؛ نورمی، برزونسکی، تامی و کینی، ۱۹۹۷). این طور به نظر می‌رسد که در میان سبک‌های هویت، سبک سردرگمی در هویت رابطه بیشتری با میزان خودکشی در نوجوانان داشته باشد. احتمالاً سردرگمی در هویت از طریق افزایش ناامیدی به‌طور غیرمستقیم با خودکشی رابطه دارد (برادلی و ماتسوکیس، ۲۰۰۲).

با توجه به این‌که خودکشی، بیشتر به دنبال مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زای شدید انجام می‌شود، و با در نظر گرفتن این‌که راهبردهای مقابله‌ای نقش موثری در واکنش فرد به رویدادهای استرس‌زا دارد و با در نظر گرفتن رابطه بین سبک‌های هویتی مختلف با اختلالات مطرح شده در بالا و نقشی که این دسته از اختلالات در خودکشی نوجوانان و جوانان دارند، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی ایده‌پردازی خودکشی براساس راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های هویت در نوجوانان، انجام شد.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش: پژوهش حاضر از نوع توصیفی و طرح آن همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی نوجوانان شهر تبریز بود که در مقطع دبیرستان مشغول به تحصیل بودند. نمونه پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند؛ به این صورت که ابتدا سه منطقه از مناطق آموزش و پرورش شهر تبریز، و سپس از هر منطقه یک دبیرستان پسرانه و یک دبیرستان دخترانه و از هر دبیرستان ۲۰ نفر (در مجموع ۱۲۰ نفر؛ ۶۰ دختر، ۶۰ پسر) به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس پرسشنامه‌ها در اختیار دانش‌آموزان قرار داده شد. پیش از تکمیل پرسشنامه‌ها در مورد اهداف پژوهش توضیحاتی به شرکت‌کنندگان ارائه شد و به آنها اطمینان داده شد که پاسخ‌هایشان به صورت محرمانه خواهد ماند. داده‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان تحلیل شدند. میانگین سن پسران ۱۷/۱ با انحراف استاندارد ۲/۲، و میانگین سن دختران ۱۶/۹ با انحراف استاندارد ۲/۵ بود.

1. Beck Scale for Suicide Ideation (BSSI)
2. reliability
3. validity
4. concurrent validity
5. split-halves
6. General Health Questionnaire (GHQ)
7. Identity Style Inventory Sixth Grade (ISI-6)
8. test-retest reliability

پژوهشی که سلطانی و همکاران (۱۳۸۹) انجام دادند، آلفای کرونباخ برای سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری، آشفته و تعهد به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۶، ۰/۸۰ و ۰/۷۵ بود. فارسی‌نژاد (۱۳۸۳) ضریب آلفای کرونباخ برای سه زیرمقیاس را به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۶۰ و ۰/۶۶ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای سه زیرمقیاس به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۰ و ۰/۶۸ به دست آمد.

مقیاس مقابله با شرایط استرس‌زا: مقیاس مقابله با شرایط استرس‌زا^۱ (CISS) توسط اندلر و پارکر (۱۹۹۰) ساخته شده است و ۴۸ عبارت دارد که پاسخ‌های هر کدام روی طیف لیکرت، از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) نمره‌گذاری می‌شود. ویژگی خاص این مقیاس این است که علاوه بر

پژوهشی که سلطانی و همکاران (۱۳۸۹) انجام دادند، آلفای کرونباخ برای سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری، آشفته و تعهد به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۶، ۰/۸۰ و ۰/۷۵ بود. فارسی‌نژاد (۱۳۸۳) ضریب آلفای کرونباخ برای سه زیرمقیاس را به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۶۰ و ۰/۶۶ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای سه زیرمقیاس به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۰ و ۰/۶۸ به دست آمد.

مقیاس مقابله با شرایط استرس‌زا: مقیاس مقابله با شرایط استرس‌زا^۱ (CISS) توسط اندلر و پارکر (۱۹۹۰) ساخته شده است و ۴۸ عبارت دارد که پاسخ‌های هر کدام روی طیف لیکرت، از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) نمره‌گذاری می‌شود. ویژگی خاص این مقیاس این است که علاوه بر

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان در متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارایه شده است.

جدول ۱

میانگین و انحراف استاندارد راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های هویت با ایده‌پردازی خودکشی

متغیر	M	SD
هویت اطلاعاتی	۲۴/۶	۴/۶
هویت هنجاری	۲۵/۸	۵/۷
هویت سردرگم-اجتنابی	۲۷/۹	۵/۱
تعهد	۲۳/۸	۴/۸
راهبرد مساله‌مدار	۱۷/۶	۳/۷
راهبرد هیجان‌مدار	۱۸/۴	۳/۸
راهبرد اجتنابی	۵/۱	۴/۲
ایده‌پردازی خودکشی	۱۲/۳	۳/۸۱

ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۲ منفی و معنادار با ایده‌پردازی خودکشی دارد. هم‌چنین ارایه شده است. ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که از بین سبک‌های هویت، هویت سردرگم ($r = ۰/۴۷, p < ۰/۰۱$) معنادار و راهبرد مساله‌مدار ($r = -۰/۴۲, p < ۰/۰۱$) رابطه مثبت و معنادار و تعهد ($r = -۰/۳۸, p < ۰/۰۱$) رابطه منفی و معنادار با ایده‌پردازی خودکشی دارند.

جدول ۲

ضرایب همبستگی راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های هویت با ایده‌پردازی خودکشی

هویت	هویت	هویت	هویت	راهبرد	راهبرد	راهبرد
اطلاعاتی	هنجاری	سردرگم-اجتنابی	تعهد	مساله‌مدار	هیجان‌مدار	اجتنابی
-۰/۲۳	-۰/۲۷	۰/۴۷**	-۰/۳۸**	-۰/۴۲**	۰/۲۸*	۰/۲۴

* $p < ۰/۰۱$ ** $p < ۰/۰۵$

و سبک‌های هویت معنادار است. بنابراین راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های هویت می‌توانند به صورت ترکیبی ایده‌پردازی خودکشی را پیش‌بینی کنند. نتایج ضرایب رگرسیون نیز نشان می‌دهد که سبک هویت تعهدی و راهبرد مساله مدار می‌توانند به صورت معکوس و معنادار ایده‌پردازی خودکشی را پیش‌بینی کنند. هم‌چنین سبک هویت سردرگم- اجتنابی و راهبرد هیجان‌مدار می‌توانند به صورت مستقیم و معنادار ایده‌پردازی خودکشی را پیش‌بینی کنند.

به منظور بررسی سهم سبک‌های هویت و راهبردهای مقابله‌ای در تبیین ایده‌پردازی خودکشی، از تحلیل رگرسیون به روش همزمان استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ گزارش شده است. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که ۲۲ درصد از کل واریانس ایده‌پردازی خودکشی به وسیله راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های هویت تبیین می‌شود. از سویی، نسبت $F = ۲۸/۶۲$ ، $p < ۰/۰۵$ نیز نشان می‌دهد که رگرسیون ایده‌پردازی خودکشی براساس راهبردهای مقابله‌ای

جدول ۳

نتایج رگرسیون چندگانه پیش‌بینی ایده‌پردازی خودکشی بر اساس راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های هویت

متغیر پیش‌بین	R	R ²	F	B	SEB	S	t
مقدار ثابت	۰/۴۷	۰/۲۲	۲۸/۶۲*	۲/۷۳	۲/۵۹		۱/۰۱*
۱- هویت اطلاعاتی				-۰/۳۱	۰/۱۸	-۰/۱۷	-۲/۴۳
۲- هویت هنجاری				-۰/۳۸	۰/۲۲	-۰/۱۹	-۱/۷۴
۳- هویت سردرگم- اجتنابی				۰/۳۹	۰/۱۹	۰/۲۶	۲/۶۹**
۴- تعهد				۰/۴۱	۰/۲۲	-۰/۲۴	۱/۳۹**
۵- راهبرد مساله مدار				-۰/۳۴	۰/۲۱	-۰/۳۱	-۱/۲۶*
۶- راهبرد هیجان مدار				۰/۳۹	۰/۲۳	۰/۲۲	۱/۶۰**
۷- راهبرد اجتنابی				۰/۳۳	۰/۱۹	۰/۱۷	۱/۸۲

* $p < ۰/۰۵$ ** $p < ۰/۰۱$

موقعیت می‌پردازد، نه به خود موقعیت. افرادی که از این سبک مقابله‌ای استفاده می‌کنند، به جای تمرکز بر مشکل و حل آن، بیشتر در پی آن هستند که پیامدهای هیجان‌های منفی عامل استرس‌زا را مهار کنند، این افراد تحت تاثیر این سبک، به جای مقابله از کنار مشکلات رد می‌شوند (بیرامی، ۱۳۸۹). راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار در کوتاه‌مدت برای کاهش تنش موثر هستند، اما در بلندمدت اثرات منفی دارند (برون‌افمن، لیوا، نگرونی و رودا، ۲۰۰۲). بنابراین مقابله ناکارآمد با عوامل استرس‌زا، پیامدهایی مانند افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و صدمه‌زدن به خود را به دنبال دارد (الگار و همکاران، ۲۰۰۳). به علاوه، این نکته حایز اهمیت است که یکی از مشخصه‌های دوره نوجوانی، تغییرات سریع و فراگیر، تقریباً در تمام ابعاد زندگی است که احتمالاً به استرس زیادی منجر می‌شود. نوجوان مانند یک بزرگسال تجربه کافی برای رویایی و مقابله با احساسات ناشی از استرس‌ها را ندارد، به همین علت در برخورد با موانع و ناکامی‌های زندگی ممکن است به فکر خاتمه دادن به زندگی

بحث

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی ایده‌پردازی خودکشی بر اساس راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های هویت انجام شد. نتایج نشان داد که بین راهبردهای مساله‌مدار و ایده‌پردازی خودکشی رابطه منفی و بین راهبردهای هیجان‌مدار و ایده‌پردازی خودکشی رابطه مثبت وجود دارد. مطالعات نشان می‌دهند که در مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا، استفاده از سبک‌های هیجان‌مدار با سطح بالایی از استرس همراه است، در حالی که استفاده از روش‌های مساله‌مدار با سطح پایین از استرس همراه است (فلتون و رونسون، ۲۰۰۴؛ به نقل از هوآنگ، ۲۰۰۹). این نتایج با یافته‌های پژوهشی پیشین همسو است (اندا و همکاران، ۱۹۹۱؛ فال و همکاران، ۲۰۰۹؛ یعقوبی و همکاران، ۱۳۸۹).

در مورد تبیین این نتایج می‌توان بیان کرد که به عقیده لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) مقابله هیجان‌مدار، معطوف به کنترل آشفتگی هیجانی بوده و به عوامل عاطفی مرتبط با آن

رسید که رابطه منفی بین ایده‌پردازی خودکشی و سبک هویت اطلاعاتی بیان‌گر این است که افراد دارای این سبک هویتی با استفاده از حل مساله مساله‌مدار و اجتناب از روش‌های هیجان‌مدار با مشکلات مواجه می‌شوند (برزونسکی و فراری، ۱۹۹۶).

سبک هویت هنجاری بیشتر متکی بر اسنادهای جمع‌گرایانه مربوط به خود، مانند خانواده من و مذهب من است (برزونسکی و آدامز، ۱۹۹۹). افراد با این سبک هویت در ارتباط با دیگران هم‌نویایی بیشتری نشان می‌دهند و در شرایط تصمیم‌گیری از تجویزها و رهنمودها و انتظارات افراد مهم و گروه‌های مرجع بهره می‌گیرند و بر اساس آن عمل می‌کنند (برزونسکی، ۲۰۰۴). بنابراین افراد با این سبک هویتی به احتمال کمتری برخلاف انتظارات جمعی حرکت می‌کنند و دست به اقداماتی مانند خودکشی که جامعه تایید کننده آن نیست می‌زنند.

پژوهش‌های پیشین بیانگر آن است که افراد با سبک هویتی سردرگم- اجتنابی، صمیمیت، اعتماد، تحمل و گشودگی کمتری را در روابط نشان می‌دهند، از این‌رو احتمال این‌که با مشکلات اجتماعی بیشتری مواجه شوند و در شکل بخشیدن به روابط دوستانه و حفظ شبکه حمایت اجتماعی مشکل داشته باشند، بیشتر است. این افراد از راهکارهای مقابله‌ای ناسازگارانه بیشتری استفاده می‌کنند (برزونسکی، ۱۹۹۴). سبک هویت سردرگم- اجتنابی از یک ساختار هویتی نامنسجم به وجود می‌آید. ویژگی اصلی این سبک، سطوح پایین پردازش فعالانه اطلاعات و مهارت‌های حل مساله محدود است. در واقع افراد با این سبک به میزان کمتری از روش‌های منطقی در فرایند پردازش اطلاعات استفاده می‌کنند (سوننس و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین می‌توان انتظار داشت نوجوانانی که خود را به سبک هویت خاصی متعهد نکرده‌اند یا در جریان کسب هویت سردرگم‌اند، به احتمال بیشتری در معرض خودکشی قرار بگیرند. بر این اساس، نوجوانان صاحب سبک هویت سردرگم- اجتنابی از درگیری با مباحث مربوط به هویت طفره می‌روند یا این‌که آن را به تعویق می‌اندازند و از آن اجتناب می‌کنند. در واقع آنها برای مقابله با مسایل و تعارضات شخصی بی‌انگیزه‌اند (برزونسکی، ۱۹۹۰). نوجوانان دارای سبک هویت سردرگم- اجتنابی برای زندگی خود برنامه‌ای ندارند، برنامه‌ریزی شغلی

خویش بیافتد. به نظر می‌رسد نوجوانانی که از راهبرد هیجان‌مدار استفاده می‌کنند در مواجهه با رویدادهای مشکل‌ساز زندگی بیشتر به فکر خودکشی می‌افتند که از طریق آن به آرامش برسند. افکار پایان دادن به زندگی نیز باعث می‌شود که فرد برای مقابله با مشکلات به دنبال حل مساله و مواجهه مستقیم با محرک‌های استرس‌زا نباشد. در مقابل، راهبرد متمرکز بر مساله شامل تلاش هوشیارانه یا ارزیابی منطقی از مساله است که سعی دارد منبع استرس را تغییر دهد یا حذف کند و بیشتر بر عامل استرس‌زا متمرکز است. استفاده از این نوع راهکار باعث کاهش مشکلات روانی، رفتاری، هیجانی و ایده‌پردازی خودکشی می‌شود.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان داد که بین سبک هویت سردرگم- اجتنابی و ایده‌پردازی خودکشی رابطه مثبت و بین سبک تعهد با ایده‌پردازی خودکشی رابطه منفی وجود دارد و هویت سردرگم- اجتنابی به صورت مستقیم و سبک تعهد به صورت معکوس می‌توانند ایده‌پردازی خودکشی را پیش‌بینی کنند. این نتایج با یافته‌های برادلی و ماتسوکیس (۲۰۰۲)، جورجسون (۲۰۰۹)، سراموا و همکاران (۲۰۰۸)، همسو است و مغایر با نتایج پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۹۰) است که بین سبک هویت سردرگم- اجتنابی و ایده‌پردازی خودکشی رابطه معنادار مشاهده نکردند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که تعهدات هویتی به عنوان راهنما و استانداردهایی برای تصمیم‌گیری و حل مساله به کار می‌رود (برزونسکی، نورمی و ماسک، ۲۰۰۳). فرض می‌شود که سبک‌های پردازشی هویت در چگونگی شکل‌دادن، حفظ کردن و اصلاح تعهدات هویتی نقش دارند (برزونسکی، ۲۰۰۴). براساس یافته‌های برزونسکی و کوک (۲۰۰۰)، تعهد در افراد با هویت موفق و زودرس بالاتر است و یافته‌های بعدی نشان می‌دهد که افراد با سبک هویت موفق بیشتر از سبک هویتی اطلاعاتی استفاده می‌کنند و افراد با هویت زودرس از سبک هویتی هنجاری بهره می‌گیرند. بنابراین تعهد در این دو سبک بالاتر است. با توجه به رابطه تعهد با این دو سبک هویتی می‌توان اثر تعهد بر ایده‌پردازی خودکشی را بر اساس این سبک‌ها تفسیر نمود. افراد با نمرات بالا در سبک اطلاعاتی، با مسایل هویتی و مشکلات فردی بر اساس استدلال ذهنی همراه با تلاش و هم‌چنین استدلال نسبتاً خودکار روبرو می‌شوند. از این‌رو می‌توان به این نتیجه

پژوهش حاضر بود که تعمیم نتایج را با مشکل مواجه می‌سازد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که جهت افزایش گستره تعمیم‌پذیری نتایج، پژوهش‌های مشابه در جوامع بزرگ‌تر که سنین مختلف و نیز وضعیت اجتماعی- اقتصادی گسترده‌تری را در بر گیرد، انجام شود. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود ابزارها و متغیرهای دیگری در رابطه با خودکشی مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، به مراکز آموزش خانواده، رسانه‌های جمعی و مدارس پیشنهاد می‌شود که والدین را نسبت به اهمیت سبک تربیتی فرزندان‌شان در کسب هویت موفق آگاه سازند و دانش‌آموزان را به پردازش فعالانه اطلاعات، درگیری با موضوعات مربوط به هویت و حل مساله سوق دهند. پیشنهاد می‌شود جهت ارتقای این عوامل برای نوجوانان و خانواده‌های‌شان دوره‌های آموزشی مناسب برگزار شود.

غرای، ب. (۱۳۸۷). بحران هویت و سبک‌های مقابله‌ای (نظریه‌ها و راهبردها). تهران: نشر قطره.

فارسی‌نژاد، م. (۱۳۸۳). بررسی رابطه سبک‌های هویت با سلامت اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان دختر و پسر پایه دوم دبیرستان شهر تهران.

پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روانشناسی، دانشگاه تهران. قریشی‌راد، ف. (۱۳۸۹). اعتباریابی مقیاس مقابله با موقعیت‌های استرس‌زای اندلر و پارکر. مجله علوم رفتاری، ۴، ۷-۱.

محمدی، س.، ایزدپناه، ش.، فاضلی مهرآبادی، ع. ر.، پناغی، ل.، و قدیری، ف. (۱۳۹۰). تاثیر سبک‌های هویتی بر افکار خودکشی در دانشجویان. مجله علوم رفتاری، ۵، ۶۱-۶۷.

یعقوبی، ح.، اکبری زردخانه، س.، وقار انزایی، م.، رضانی، و. و قهوه‌چی، ف. (۱۳۸۹). وضعیت سلامت روان و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان ورودی جدید دانشگاه‌های تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. فصلنامه سلامت روان، ۵، ۳۵-۲۵.

و تحصیلی محدودی دارند، به صورت هیجان‌مدار با مسایل برخورد می‌کنند و در صورت عدم موفقیت به افکار پایان دادن به زندگی روی می‌آورند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به شیوه جمع‌آوری داده‌ها بر اساس مقیاس‌های خودگزارش‌دهی اشاره کرد که ممکن است به دلیل دفاع‌های ناخودآگاه و تعصبات و ارایه تصویر مطلوب از خود دچار تحریف شود. به علاوه، طرح پژوهش حاضر همبستگی است و نمی‌توان با استناد به یافته‌های آن به تفسیرها و تبیین‌های علت شناختی مبادرت کرد. هم‌چنین زیاد بودن تعداد سوالات که می‌تواند باعث خستگی شرکت‌کنندگان شود، از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش، عدم در نظر گرفتن وضعیت اجتماعی و اقتصادی اعضای نمونه بود. محدود بودن جامعه آماری به نوجوانان شهر تبریز نیز از دیگر محدودیت‌های

مرجع

انیسی، ج.، فتحی آشتیانی، ع.، سلیمی، س. ح. و احمدی نوده، خ. (۱۳۸۳). ارزیابی اعتبار و روایی مقیاس افکار خودکشی یک در سربازان. فصلنامه طب نظامی، ۷، ۳۷-۳۳.

بیرامی، م. (۱۳۸۹). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای در دانشجویان دارای پرونده در کمیته انضباطی دانشگاه با دانشجویان عادی. فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز، ۵، ۶۴-۴۷.

حجازی، ا.، و برجعلی‌الو، س. (۱۳۸۸). تفکر انتقادی، سبک‌های هویت و تعهد هویت در نوجوانان: ارایه یک مدل علی. دوفصلنامه روانشناسی معاصر، ۱، ۱۵-۳.

حسینی، ج.، و میرآقایی، ع. م. (۱۳۹۱). رابطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با ایده‌پردازی خودکشی. دوفصلنامه روانشناسی معاصر، ۱۳، ۷۲-۶۱.

سلطانی، م.، فولادوند، خ. و فتحی آشتیانی، ع. (۱۳۸۹). رابطه هویت و هیجان خواهی با اعتیاد اینترنتی. مجله علوم رفتاری، ۴، ۱۹۷-۱۹۱.

References

- Adams, G. R., Munro, B., Doherty-Poirer, M., Munro, G., Petersen, A. M. R., & Edwards, J. (2001). Diffuse-avoidance, normative, and informational identity styles: Using identity theory to predict maladjustment. *Identity: An International Journal Theory Research, 1*, 307-320.
- Aldwin, C. M., & Revenson, T. A. (1987). Does coping help? A reexamination of the relation between coping and mental health. *Journal of Personality and Social Psychology, 53*, 348-377.
- Anda, D., Javidi, M., Jefford, S., Komorowski, R., & Yanez, R. (1991). Stress and coping in adolescence: A comparative study of pregnant adolescents and substance abusing adolescents. *Children and Youth Services Review, 22*, 441-463.
- Armstrong, T. D., & Costello, E. J. (2002). Community studies on adolescent substance use, abuse, or dependence and psychiatric comorbidity. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 70*, 12-24.
- Ben-Zar, H., & Reshef, Y. (2003). Risk taking and coping Strategies among adolescents. *Journal of Adolescence, 26*, 255-265.
- Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research, 4*, 267-281.
- Berzonsky, M. D. (1990). Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation. *Advances in Personal Construct Psychology, 1*, 155-186.
- Berzonsky, M. D. (1994). Self-identity: The relationship between process and content. *Journal of Research in Personality, 28*, 453-460
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter Identity? *An International Journal of Theory and Research, 3*, 131-142.
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity processing style, self-construction, and personal epistemic assumptions: A social-cognitive perspective. *European Journal Development Psychology, 1*, 303-315.
- Berzonsky, M. D., & Adams, G. R. (1999). Reevaluating the identity status paradigm: Still useful after 35 years. *Development Review, 9*, 557-590.
- Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality Individual Difference, 20*, 597-606.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2000). Identity status, identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research, 15*, 81-98.
- Berzonsky, M. D., & Sullivan, C. (1992). Social-cognitive aspects of identity style: Need for cognition, experiential openness, and introspection. *Journal of Adolescent Research, 7*, 140-155.
- Berzonsky, M. D., Nurmi, J. E., & Macek, P. E. J. (2003). Interrelationships among identity process, content, and structure: A cross-cultural investigation. *Journal of Adolescent Research, 18*, 1-19.
- Berzonsky, M. D., Nurmi, J., Kinney, A., & Tammi, K. (1999). Identity processing style and cognitive attributional strategies: Similarities and difference across different contexts. *European Journal of Personality, 13*, 105-120.
- Bradley, G., & Matsukis, P. (2002). Identity status and youth recklessness. *Youth Studies Australia, 19*, 48-54.
- Bronfman, M. N., Leyva, R., Negroni, M. J., & Ruda, C. M. (2002). Mobile populations and HIV/AIDS in central America and Mexico. *Research for Action AIDS, 16*, 42-49.
- Crawford, M. J., Thana, L., Methuen, C., Ghosh, P., Stanley, S. V., Ross, J., et al. (2011). Impact of screening for risk of suicide: Randomised controlled trial. *The Journal of Mental Science, 198*, 379-384.
- Crosby, R. A., Santelli, J. S., & DiClemente, R. J. (2009). Adolescents at risk. In R. DiClemente, J. Santelli & R. Crosby (Eds.) *Adolescent Health: Understanding and Preventing Risk Behaviors* (pp.303-335). San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Danitz, M. (2001). *Suicide an unnecessary death*. London: UK.
- Ducher, J. L., & Dalery, J. (2004). Concurrent validation of Suicidal Risk Assessment Scale with the Beck's Suicidal Ideation Scale. *Encephale, 30*, 249-254.
- Duriez, B., Soenes, B., & Beyers, W. (2004). Religiosity, personality, and identity styles: An integrative study among late adolescents in Flanders (Belgium). *Journal of Personality, 72*, 877-910.
- Elgar, J., Arlett, C., & Groves, R. (2003). Stress, coping and behavioral problems among rural

- and urban adolescents. *Journal of Adolescents*, 26, 574-585.
- Endler, N. S., & Parker, J. D. A. (1990). Multidimensional assessment of coping: A critical evaluation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 844-854.
- Erikson, E. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton.
- Faul, L. A., Jim, H. S., Williams, C., Loftus, L., & Jacobsen, P. B. (2009). *Relationship of stress management skill to psychological distress and quality of life in adults with cancer*. <http://www3.interscience.wiley.com>
- Groeger, U., Tomori, M., & Kocmur, M. (2003). Suicidal ideation in adolescence an indicator of actual risk. *Israel Journal of Psychiatry and Related Sciences*, 40, 202-208.
- Hawton, K., & van Heeringe, K. (2009). Suicide. *Lancet*, 373, 1372-1381.
- Huang, M. (2009). *Resilience in chronic disease: the relationship among risk factors, protective factors, adaptive outcomes and the level of resilience in adults with diabetes*. Ph.D. Thesis, Queensland university of Technology.
- Jorgensen, C. (2009). Identity style in patients with borderline personality disorder and normal controls. *Journal of Personality Disorders*, 23, 101-112.
- Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal, and coping*. New York: Springer.
- Lester, D. (2006). Suicide and Islam. *Archives of Suicide Research*, 10, 77-97.
- Marcenko, M., Fishman, G., & Friedman, J. (1999). Reexamining adolescent suicidal ideation: A developmental perspective applied to a diverse population. *Journal of Youth and Adolescence*, 28, 121-138.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558
- Marcia, J. E. (1993). The status of the statuses: Research review. In J. E. Marcia, A. S. Waterman, D. R. Matteson, S. L. Archer & J. L. Orlofsky (Eds.). *Ego identity: A handbook for psychosocial research* (pp. 22-41). NY: Springer.
- Marcia, J. E. (1996). Development and validation of ego identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.
- Nurmi, J. E., Berzonsky, M. D., Tammi, K., & Kinney, A. (1997). Identity processing orientation, cognitive and behavioral strategies and well-being. *International Journal of Behavioral Development*, 21, 555-570.
- Soenens, B., Duriez, B., & Goossens, L. (2005). Social psychological profiles of identity styles: Attitudinal and social-cognitive correlates in late adolescence. *Journal of Adolescent Research*, 28, 107-125.
- Sramova, B., Bianchi, G., Lasticova, B., Fichnova, K., & Hamranova, A. (2008). Analyses of socio-cognitive identity styles by Slovak Adolescents. *International Journal of Human Social Science*, 3, 495-499.
- Van Heeringen, K. (2001). *Understanding suicidal behavior*. Chichester, UK: John Wiley & Sons.
- Wheeler, H. A., Adams, G. R., & Keating, L. (2001). Binge eating as a means for evading identity issues: The association between an avoidance identity style and bulimic behavior. *Identity: An International Journal Theory Research*, 1, 161-178.
- White, J. M., Wampler, R. S., & Winn, K. I. (1998). The identity style inventory: A revision with a sixth grade reading level. *Journal Adolescent Research*, 13, 223-245.